

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)
سال چهارم، شماره (۱۴)، تابستان ۱۳۹۴، صص ۷۳-۹۳

بررسی تطبیقی دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق و سوریه*

علی عنایتی شبکلائی*

دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

سید اسدالله اطهری

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رحمت حاجی مینه

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، دانشکده علوم انسانی

چکیده

این مقاله درصدد است تا دیپلماسی عمومی ترکیه و ایران را در عراق و سوریه پس از تحولات این کشورها بررسی کند. ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت تأثیرگذار بر تحولات خاورمیانه، می-کوشند طبق ماهیت دولت‌ها، اهداف و خط‌مشی‌های خود دیپلماسی عمومی‌شان را در عراق و سوریه پیش ببرند. پرسش اصلی مقاله این است که دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق و سوریه بر چه مؤلفه‌هایی استوار است؟ تحولات جدید در این کشورها چه تأثیری بر دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله این است که دو کشور در رقابت منطقه‌ای خود از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در کنار قدرت سخت خود استفاده می‌کنند تا بتوانند نفوذ و هژمونی منطقه‌ای خود را تثبیت و تقویت کنند. دو کشور از فرصت‌ها و امکانات مناسب و متفاوتی برای بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در عراق و سوریه برخوردار هستند، اما موفقیت نسبی ایران و ترکیه بستگی به استراتژی دو کشور دارد و این موفقیت‌ها و ناکامی‌ها همیشه و در همه زمینه‌ها نیست. در این مقاله از روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و ابزار گردآوری اطلاعات از نوع اسنادی-کتابخانه‌ای است. مبنای تحلیل مؤلفان، منابع نظری و تجربی صاحب‌نظران منطقه‌ای و مطالعات و پژوهش‌های مؤلفان است.

واژگان کلیدی: ایران، ترکیه، عراق، سوریه، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم.

* این مقاله برگرفته از پژوهش «سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و ایران در قبال تحولات کشورهای عربی ۲۰۱۱-۲۰۱۳»

است که با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران کشور انجام شده است.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱/۱۶

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: enayati2001@yahoo.com

مقدمه

رویدادهای بنیادینی در سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوسته است. مسائل عراق، بحران و درگیری‌ها در سوریه و تحولات کشورهای عربی، روابط بازیگران منطقه‌ای را دگرگون کرد. علاوه بر این، برخی رویدادها، روندها و مسائل سیاسی، فرهنگی و ارتباطی در سطح بین‌المللی ماهیت پدیده‌ها، فرایندها و خط‌مشی‌ها را نیز تغییر داده است. اهمیت یافتن و افزایش بیش از پیش قدرت نرم در برابر قدرت سخت، سیاست اندیشه در مقابل سیاست قدرت و نقش بازیگران غیردولتی در برابر بازیگران دولتی از جمله این رویدادها و روندها است. این وضعیت به دیپلماسی عمومی، جایگاه و نقش بیشتری در کنار دیپلماسی رسمی داده است.

دیپلماسی عمومی تلاش دولت برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی در خارج از کشور و بهبود تصویر خود نزد مردم جهان است. در دیپلماسی عمومی هدف اصلی تلاش برای ایجاد ذهنیت یا تصویری مناسب از کشور است. این امر از راه ایجاد جذابیت یا همان قدرت نرم ممکن می‌شود. قدرت نرم توانایی شکل یا تغییر داد ترجیحات و اولویت‌های دیگران از رهگذر جذابیت است. منابع تولیدکننده قدرت نرم، ارزش‌های موجود در فرهنگ، عملکرد و سیاست‌های داخلی کشورها است. با دیپلماسی عمومی این منابع قدرت در خدمت استراتژی و دیپلماسی رسمی کشور قرار می‌گیرد تا از آن نیز برای دستیابی به اهداف و منافع ملی بهره برد. با وجود تفاوت ماهوی دیپلماسی عمومی با دیپلماسی رسمی، متولی اصلی دیپلماسی عمومی هم دولت است. علاوه بر این، در دیپلماسی عمومی از رسانه‌ها، نهادهای علمی و آموزشی، گردشگری و سازمان‌های مردم‌نهاد برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی استفاده می‌شود. تلاش همه این‌ها شکل‌دهی افکار عمومی و تأثیرگذاری بر سیاستمداران در خارج از کشور است. همچنین تعامل گروه‌ها و سازمان‌های خصوصی کشورها و فرآیندهای ارتباطات میان فرهنگی، از جمله متغیرهای دیپلماسی عمومی هستند.

ایران و ترکیه به‌عنوان دو کشور با قدرت ملی بزرگ و برتر میان کشورهای اسلامی تلاش زیادی به کار می‌برند تا با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم، بیشتر و با هزینه کمتر به اهداف و منافع خود در منطقه خاورمیانه دست یابند. ایران تقریباً از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه پایان جنگ با عراق، تلاش بیشتری برای به‌کارگیری قدرت نرم و استفاده از دیپلماسی عمومی را در منطقه آغاز کرد. این روند با شدت و ضعف‌هایی در دو دهه اخیر ادامه یافت. تأکید ایران بر عراق، سوریه، لبنان و مسئله فلسطین بود. به این دلیل که دیپلماسی رسمی ایران هم بر این مناطق توجه ویژه داشت و متغیرهای قدرت سخت این کشور هم بر کشورهای محور مقاومت در برابر محور اسرائیلی - آمریکایی تمرکز داشت. برخلاف ایران، ترکیه بیشتر بر نقش میانجی و موازنه‌دهنده در سطح منطقه تأکید داشت. ترکیه از گذشته

به‌عنوان کشوری با قدرت سخت در منطقه شناخته می‌شد. دلیل این امر نیز توان نظامی و در کنار آن قدرت اقتصادی این کشور بوده است. با این حال در سال‌های اخیر، به‌ویژه از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، قدرت نرم این کشور در کنار قدرت سخت جدی‌تر دنبال شد. این کشور می‌کوشد همزمان با برخی اصلاحات سیاسی و اقتصادی در داخل، اعتبار خود را در منطقه افزایش دهد. ترک‌ها در دهه گذشته ابتدا کوشیدند منازعات منطقه‌ای را مدیریت کنند. نقش ترکیه در منازعه اسرائیل - سوریه و اسرائیل با فلسطین و لبنان را می‌توان به‌عنوان مثال‌هایی در این مورد مطرح کرد. سپس آنکارا به مداخله و هژمونی منطقه‌ای روی آورد.

تحولات جدید در منطقه خاورمیانه، موقعیت‌های نوین برای ترکیه و ایران مطرح کرد. هر دو کشور کوشیدند از سقوط صدام و روی کار آمدن دولت جدید در عراق به نفع خود بهره ببرند. کم‌وبیش ترکیه و ایران فرصت‌های بهتری در عراق جدید به دست آورده‌اند و کوشیدند از ابزارهای گوناگون و مؤلفه‌های مختلف برای دستیابی به اهداف خود بهره ببرند. بخش زیادی از این عوامل به فاکتورهای قدرت نرم و بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی مربوط می‌شود. مواضع ایران و ترکیه درباره تحولات سوریه و عراق کاملاً متفاوت بود، به‌گونه‌ای که ایران و ترکیه به صورت نیابتی درگیر تحولات سوریه و درگیری‌های عراق شده‌اند. ترک‌ها از معارضان مسلح حمایت می‌کردند و در مقابل، ایران از دولت‌های بغداد و دمشق پشتیبانی می‌کرد. بر این اساس، شدیدترین رقابت سخت و نرم ایران و ترکیه در خاورمیانه، در سوریه و عراق مشاهده می‌شود. دو طرف به نوعی همه ابزارهای سخت و نرم قدرت دیپلماسی رسمی و دیپلماسی عمومی خود را در حمایت از یکی از بازیگران درگیر و مخالفت با بازیگر مقابل به کار برده‌اند.

نگارندگان در این مقاله می‌کوشند ماهیت دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه و کارکرد این نوع دیپلماسی دو کشور را در عراق و سوریه به‌گونه‌ای تطبیقی بررسی نمایند. ماهیت مقاله کیفی، رویکرد آن تحلیلی، روش تحلیل آن تطبیقی (مقایسه‌ای)، و ابزارهای گردآوری اطلاعات و داده‌ها، اسنادی منابع نظری و تجربی فارسی و انگلیسی همراه با تجزیه و تحلیل مؤلفان است.

چهارچوب مفهومی دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی، درک توده‌های مردم کشور مخاطب، دادن پیام برای آنان، فعالیت برای تأثیرگذاری بر آن‌ها و توسعه گفت‌وگو میان شهروندان و نهادهای کشور از یک‌سو و نهادهای کشور مخاطب از سوی دیگر است. (Wolf and Rosen, 2004: 3-4) دیپلماسی عمومی فرآیندی است که به وسیله آن ارتباطات مستقیم کشوری با مردم کشور دیگر برای پیش بردن منافع و ارزش‌های خود دنبال می‌شود. (Melissen, 2007: 41) این فرایند توسط دولت، مردم و نخبگان برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و عقاید نخبگان ملتی دیگر، برای تعیین یا تغییر

سیاست آن کشور و برای کسب منافع و اهداف خود پیگیری می‌شود. دیپلماسی عمومی، راهبردی ارتباطی و هدفمند برای ساخت تصویری مثبت از کشوری نزد افکار عمومی خارجی از راه به کار گرفتن ابزارهای مختلف ارتباطی و رسانه‌ای میسر است. (Melissen, 2007: 18)

بر این اساس، منظور از دیپلماسی عمومی جریانی است که حکومت‌ها از رهگذر آن، حکومت کشور دیگر را دور می‌زنند و فرآیندهای سیاسی و جامعه مدنی آن کشور را هدف قرار می‌دهند. (هیل، ۱۳۸۷: ۳۷۶) دیپلماسی عمومی مفهومی نوین است که کشورها با اشاعه و ترویج ایدئولوژی، ارزش‌ها و هنجارهای خود در درصد صدور پیام و فرهنگ و کسب برتری هستند.

ابزارهای اصلی دیپلماسی عمومی عبارت‌اند از: انتشارات، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی و رادیو و تلویزیون. (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۴۸) اکنون به مدد فناوری‌های نو در ارتباطات و اطلاعات، زمینه مناسب برای ارتباط با افکار عمومی فراملی و اقناع و تأثیرگذاری بر آن‌ها از طریق رسانه‌های جهانی فراهم است. (نوابخش، ۱۳۸۵: ۱۵۱) این موارد نشان می‌دهد که دیپلماسی عمومی با دیپلماسی سنتی متفاوت است. برای درک بهتر دیپلماسی عمومی و تفاوت آن با دیپلماسی سنتی به مقایسه آن مطابق جدول ۱ می‌پردازیم.

جدول ۱: مقایسه دیپلماسی عمومی (نوین) و دیپلماسی رسمی (سنتی)

منبع: (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۴۹)، (Henrikson, 2006)، (Melissen, 2007: 7-)

دیپلماسی نوین - عمومی	دیپلماسی سنتی - رسمی
عمدتاً شفاف و باز است	معمولاً سربسته و مخفیانه است
دست‌کم یک طرف رابطه بازیگران غیررسمی و غیردولتی است	عموماً رابطه و تعامل دولت با دولت است
موضوعات مربوط به گرایش‌ها و رفتارها در حیطه امور عمومی را در بر می‌گیرد	موضوعات مربوط به رفتارها و سیاست دولت‌ها را شامل می‌شود
افکار عمومی بازیگران اصلی هستند	دولت‌ها بازیگران اصلی هستند
امکان حصول نتیجه در بلندمدت بیشتر است	امکان حصول نتیجه در کوتاه‌مدت محتمل‌تر است
معمولاً هزینه کمتر و تأثیر بیشتر است	عموماً هزینه بیشتر و تأثیر کمتر است
تعامل بیشتر میان دولت‌ها با ملت‌هاست	تعامل بیشتر میان دولت با دولت است
بیشتر تغییر نگرش‌ها و افکار عمومی خارجی مدنظر است	بیشتر تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و رفتار دولت‌ها مورد توجه است
نتایج زمانی برای میان‌مدت و یا بلندمدت نتیجه می‌دهد	نتایج در کوتاه‌مدت به دست می‌آید
اثرات ماندگارتر است	اثرات ممکن است زود تغییر کند
نهادهای مدنی و حتی افراد تأثیرگذارند	دولت‌های بزرگ و قوی‌تر موفق‌ترند
بیشتر با قدرت نرم پیوند دارد	بیشتر با قدرت سخت در ارتباط است

12، (Snow, 2009: 6) و (داد اندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۰)

اکنون دیپلماسی عمومی نیز متحول شده است، به گونه‌ای که پژوهشگران از دیپلماسی عمومی قدیمی و جدید سخن می‌گویند. (جدول ۲)

جدول ۲: دیپلماسی عمومی قدیمی و جدید.

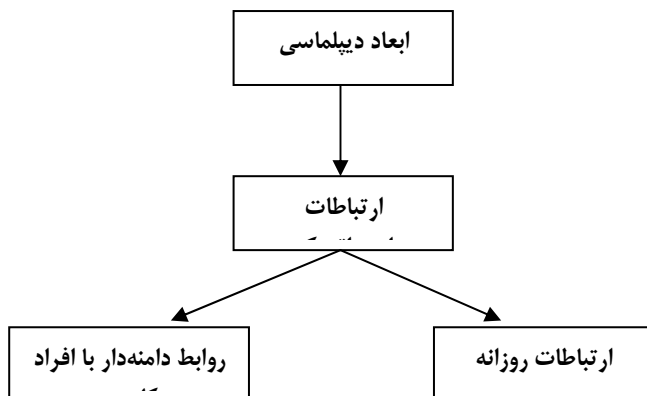
ویژگی‌ها	دیپلماسی عمومی قدیمی	دیپلماسی عمومی جدید
هویت بازیگر بین‌الملل	دولتی	دولتی و غیردولتی
محیط فناورانه	رادپو موج کوتاه، روزنامه‌های چاپی، تلفن‌های سیمی	ماهواره، اینترنت، اخبار زنده تلفن-های همراه
محیط رسانه‌ای	خطوط مشخص میان بخش خبری داخلی و بین‌المللی	کم‌رنگ شدن خطوط میان بخش خبری داخلی و بین‌المللی
منع رویکرد	رشد حمایت سیاسی و نظریه پروپاگاندا	رشد برندینگ شرکتی و نظریه شبکه
مجموعه واژگان	تصویر بین‌المللی، اعتبار	قدرت نرم، برندینگ ملی
ساختار نقش	از بالا به پایین، از بازیگر به مردم کشور خارجی	افقی، تسهیل شده توسط بازیگر
ماهیت نقش	پیام‌رسانی هدف‌گذاری شده	ارتباط‌سازی
هدف کلی	مدیریت فضای بین‌المللی	مدیریت فضای بین‌المللی

منبع: (Cull, 2009): آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶، سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰، هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۷-۵۰.

دیپلماسی عمومی دارای سه بعد است، (نمودار ۱):

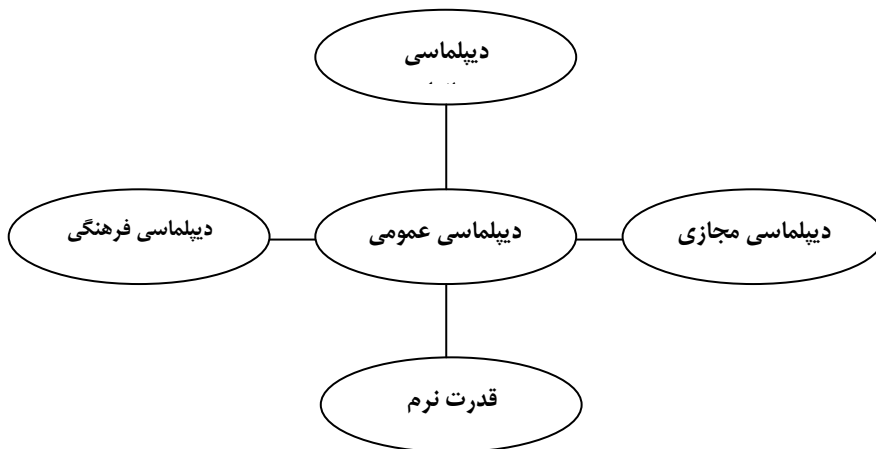
- ارتباطات روزانه (مدیریت ارتباطات در زمینه موضوعات روز و مدیریت اخبار دولت در رسانه‌های خارجی) (نیک‌آیین، ۱۳۸۸: ۳۸۲)
- ارتباطات استراتژیک (برنامه‌ریزی رویدادها و ارتباطات نمادین برای مشخص کردن موضوعات اساسی یا پیشبرد سیاست دولت)
- گسترش روابط دامنه‌دار با افراد کلیدی (از طریق اعطای بورسیه، تبادلات فرهنگی و دانشگاهی، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها و دسترسی به کانال‌های ارتباطی)

نمودار ۱: ابعاد دیپلماسی عمومی



برای اینکه دقیق‌تر بفهمیم تفاوت دیپلماسی عمومی با دیگر مفاهیم و موضوعات مشابه چیست، این پرسش مطرح می‌شود که دیپلماسی عمومی چه نیست؟ در پاسخ باید گفت: دیپلماسی عمومی جنگ روانی نیست، دیپلماسی عمومی تبلیغات نیست و دیپلماسی عمومی فعالیت فرهنگی و حتی دیپلماسی فرهنگی نیست. (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۱۰۱) با این حال دیپلماسی عمومی با گونه‌های نوین دیپلماسی مانند دیپلماسی مجازی و دیپلماسی رسانه‌ای و مؤلفه‌های قدرت نرم پیوند دارد. (نمودار ۲)

نمودار ۲: ارتباط دیپلماسی عمومی با انواع دیپلماسی و قدرت نرم



دیپلماسی عمومی ایران

ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی ایران

عوامل بسیاری شکل‌دهنده یا تقویت‌کننده دیپلماسی عمومی هستند که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: زبان، ادبیات و هنر، آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، موقعیت ایدئولوژیکی، ارتباط دیپلماتیک مناسب و گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارائه تصویر مطلوب از خود، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ برای مقاصد دیپلماتیک، طراحی و اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌های مقبول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، کسب جایگاه علمی پیشرفته و فناوری‌های تکنولوژیکی، توانمندی اقتصادی بالا، قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، برخورداری از شبکه‌های خبری جهان‌گستر و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی. (نای، ۱۳۸۲: ۴۵) ایران بالقوه بسیاری از ابزارهای یادشده را در اختیار دارد. از جمله مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی عمومی ایران در عراق و سوریه عبارت‌اند از: مشترکات فرهنگی، تاریخی و دینی؛ قرابت و نزدیکی جغرافیایی؛ حضور ایرانیان و شیعیان؛ ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرهنگی ایران و دیپلماسی رسانه‌ای ایران در عراق و سوریه. (داد اندیش، احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۵۵) همچنین ایجاد جذابیت و نشان دادن چهره‌ای توانا از کشور در داخل و تقویت این باور در میان مردم کشوری دیگر، در ایجاد وجهه بین‌المللی و ایجاد جذابیت برای مخاطبان خارجی تأثیر دارد. مؤلفه‌هایی چون کارآمدی دیپلماسی، میزان تعامل مثبت با سازمان‌های بین‌المللی، شیوه برخورد با موضوعات مهم جهانی، حجم ارتباطات دیپلماتیک، عکس‌العمل مناسب در برابر مسائل تضعیف‌کننده داخلی و خارجی و همچنین حجم میزبانی سازمان‌های بین‌المللی، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌ها ممکن است شاخص‌های مناسبی در ارزیابی میزان موفقیت یا ناکامی مؤلفه‌های سیاسی قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ایران به حساب آید. (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۰۷-۲۰۹) ایران می‌تواند با ارتقای نهادهای جامعه مدنی، در درون تقویت شده، جامعه ایرانی و نظام جمهوری اسلامی را در برابر آسیب‌های احتمالی محافظت کند. (گلشن‌پزوه، ۱۳۸۷: ۳۲۱) (جدول ۳)

جدول ۳: ظرفیت‌ها و منابع دیپلماسی عمومی ایران

دستاوردها	راهبرد	منابع و فرصت‌ها	گونه‌ها	
گسترش روابط در حوزه تمدنی	آموزشی	فرهنگ و ارزش‌های اسلامی	دیپلماسی فرهنگی (دیپلماسی عمومی نخبگانی)	دیپلماسی عمومی
افزایش عمق راهبردی ایران		زبان فارسی و فرهنگ ایرانی		
حفظ ثبات منطقه‌ای		مردم‌سالاری دینی		
گسترش محور مقاومت	رسانه‌ای	پیشرفت‌های علمی	دیپلماسی رسانه‌ای (دیپلماسی عمومی همگانی)	
جلوگیری از مداخلات فرا منطقه‌ای		خودکفایی اقتصادی		
افزایش همبستگی جوامع اسلامی		ایده‌پردازی گفتمان‌سازی		

منبع: با تغییرات و اصلاحاتی از درخشه و غفاری، ۱۳۹۰

فرصت‌های دیپلماسی ایران در عراق و سوریه

ایران در عراق و سوریه دارای برخی فرصت‌های مشترک و برخی فرصت‌های متمایز است. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۵) این فرصت‌ها زمینه مناسبی برای پیشبرد دیپلماسی عمومی ایران فراهم می‌کنند. در ادامه به برخی از آن‌ها در دو کشور عراق و سوریه اشاره می‌شود.

فرصت‌های ایران در عراق

ایران و عراق دو کشور همسایه هستند که با وجود مشترکات فرهنگی و تاریخی در دهه‌های گذشته، دارای مشکلات سیاسی و اختلافات مرزی بودند. این وضع پس از سرنگونی رژیم بعثی در عراق تغییر یافت. این امر موقعیت مناسبی برای دو کشور فراهم کرد تا از زمینه‌های مساعد برای گسترش روابط و افزایش همکاری‌ها استفاده کنند. بر این اساس ایران برای پیشبرد دیپلماسی عمومی خود در عراق از فرصت‌های زیادی برخوردار است (رفیعی و نیک‌روش، ۱۳۹۲: ۱۲۶) که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- اکثریت شیعه در عراق؛
- پیشینه روابط تاریخی، فرهنگی و تمدنی با کردها؛
- وجود ۱۶ درصد فارس زبان و ایرانی‌الاصول؛
- وجود عتبات عالیات و حوزه علمیه نجف؛
- کمک‌های ایران به عراق از زمان سقوط صدام؛
- تلاش ایران در بازسازی عراق؛
- همبستگی با مردم عراق در برابر جنایات صدام، سپس حملات امریکا و اقدامات تروریستی داعش؛
- پناهندگی مهاجران عراقی در زمان صدام و وجود تعداد زیادی از اتباع عراقی در ایران.

فرصت‌های ایران در سوریه

فرصت‌های ایران در سوریه با عراق متفاوت است. پیشینه روابط نزدیک تهران-دمشق به پیروزی انقلاب اسلامی، همکاری سوریه با ایران در جنگ تحمیلی و کمک ایران به سوریه‌ها در سال‌های پس از جنگ، به‌ویژه در بحران و درگیری‌های سال‌های اخیر در سوریه پیوند خورده است. این امر فرصت‌های مناسبی را برای ایران برای پیشبرد دیپلماسی عمومی در سوریه فراهم کرده است. برخی از این فرصت‌ها عبارت‌اند از:

- حمایت از محور مقاومت؛
- سرمایه‌گذاری ایران در سوریه و احداث نیروگاه‌ها و کارخانه‌های سیمان در این کشور؛

- سفر زائران ایرانی به سوریه؛
- روابط دوجانبه فرهنگی در زمینه علمی - دانشگاهی و برگزاری هفته‌های فرهنگی؛
- حضور علویان و شیعیان در سوریه.

چالش‌ها و موانع دیپلماسی عمومی ایران در عراق و سوریه

در کنار فرصت‌ها و زمینه‌های مناسب و مساعد فرهنگی، محدودیت‌ها و چالش‌های درونی و بیرونی متعدد نیز برای ایران وجود دارد که اعمال و اجرای دیپلماسی عمومی در این منطقه را با چالش روبرو می‌سازد.

۱. ضعف در رویکرد: کم‌توجهی به رویکرد بلندمدت و توجه کافی نداشتن به هویت‌سازی و انگاره‌سازی موجب شده است که کاربرد و کارآمدی دیپلماسی عمومی ایران در عراق و سوریه نسبت به دیپلماسی رسمی کمتر باشد.

۲. مشکلات در به‌کارگیری ابزارها: ایران با وجود داشتن ابزارهای جدید، به‌ویژه هنر و سینما، از آن‌ها در عراق و سوریه کمتر بهره می‌برد. (کشاوری شگری، ۱۳۹۲: ۱۷)

۳. بی‌اعتمادی برخی مذاهب و گروه‌ها به ایران: بی‌اعتمادی و سوءظن متقابل ایران و اعراب پیشینه تاریخی دیرینه دارد. (Karawan, 2002: 99-101; Alshayji, 2002: 225-234) اما در عراق و سوریه این بی‌اعتمادی به برخی از گروه‌ها و شخصیت‌های سنی و مخالف دولت محدود می‌شود. راهبرد مناسب ایران در درگیری‌های داخلی دو کشور به کاهش سوءتفاهم‌ها کمک کرد، ولی آن را از بین نبرد.

۴. ایدئولوژیک، سیاسی و امنیتی شدن فرهنگ ایران: در اثر تحولات عراق، سوریه، لبنان و یمن، فرهنگ و هویت ایرانی و شیعی، سیاسی و امنیتی نشان داده شده است. در این زمینه رسانه‌های عربی و غربی نقش فعال و مؤثری دارند. این تصور و تلقی، خود نوعی ایران‌هراسی را برمی‌انگیزد که بر ساخت و ذهنیت‌سازی رسانه‌ای است. (Nasr, 2006:303-305)

۵. ناسیونالیسم عربی و پان‌عربیسم: رقبای منطقه‌ای ایران برای مقابله با جمهوری اسلامی در صدد احیای ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی و سلفی‌گری برآمده‌اند. آنان تحولات عراق و سوریه، و نفوذ ایران در لبنان و یمن را نیز نشانه دخالت در امور داخلی اعراب تلقی می‌کنند. از این‌رو، تقویت ناسیونالیسم عربی و پان‌عربیسم را سازوکار و راهکاری برای مقابله با نفوذ و قدرت ایدئولوژیک و فرهنگی ایران قلمداد می‌کنند. (Owen, 2004: 59-60)

۶. وهابیت و سلفی‌گری: سلفی‌گری افراطی و وهابیت سیاسی شده، ایدئولوژی مذهبی مقابله با فرهنگ ایرانی و انقلاب اسلامی را برمی‌انگیزد. با قدرت‌یابی شیعیان از سوی دیگر، مجدداً فعالیت گروه‌ها و جنبش‌های وهابی در منطقه فزونی گرفته است.

۷. قدرت نرم و دیپلماسی عمومی آمریکا: آمریکا برای مقابله با فرهنگ و آموزه‌های اسلامی

و انقلاب اسلامی، از دیپلماسی عمومی (رسانه‌ای و فرهنگی) و قدرت نرم خود در منطقه و به-ویژه عراق علیه دیپلماسی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای ایران استفاده می‌کند. (رفیع و نیک‌روش، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۲۱ و عطایی، قادری کنگاوری و ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۷-۱۹۹)

دیپلماسی عمومی ترکیه

بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه شاهد سیاست خارجی فعال ترکیه در منطقه خاورمیانه بوده‌ایم. به نظر می‌رسد علاوه بر فعال‌تر شدن سازوکارها و نهادهای مربوط به دیپلماسی رسمی، احیای روابط تاریخی و فرهنگی میان ترکیه و کشورهای خاورمیانه با استفاده از ابزارهای دیپلماسی عمومی محور این تحرک قرار گرفته است. هدف دیپلماسی عمومی ترکیه اجرای فعالیت‌هایی است که این فرصت را برای این کشور فراهم می‌کند تا با استفاده از قدرت نرم، ارزش‌های استراتژیک خود را افزایش دهد.

در ترکیه سازمان‌های دولتی و خصوصی بسیاری وجود دارند که فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی عمومی را انجام می‌دهند؛ از جمله وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و گردشگری، آژانس همکاری بین‌المللی و توسعه ترکیه، (TIKA) سازمان هلال احمر، دفتر اطلاعات و مطبوعات، تلویزیون ملی و آژانس دیپلماسی عمومی. (جعفری و آبری، ۱۳۹۱:

۱۰۸-۱۱۸)

آژانس دیپلماسی عمومی ترکیه که از سال ۲۰۰۸ آغاز به کار کرده است، از طیف گسترده‌ای از ابزارها شامل سمینارها، نشریات، برنامه‌های تلویزیونی، تولید فیلم و اندیشکده‌ها برای پیشبرد اهدافش استفاده می‌کند. این آژانس به‌عنوان شبکه ارتباطی میان سازمان‌های غیردولتی، اندیشکده‌ها و دولت خدمت می‌کند.

در سال ۲۰۰۹ نیز وزارت امور خارجه ترکیه معاونت دیپلماسی عمومی و ارتباطات را به چارت سازمانی خود افزود که این اقدام آنکارا بر نگاه ویژه دولتمردان به این حوزه جدید دلالت دارد. در ابتدای سال ۲۰۱۰ نیز در راستای بهره‌گیری از ابزارهای روابط عمومی، وزارت امور خارجه برای سایت‌های شبکه اجتماعی از قبیل فیس‌بوک و توییتر اهمیت خاصی قائل شد و چند ماه بعد، مدیریت دیپلماسی عمومی در نهاد نخست‌وزیری دایر گردید. (Kalin, 2012: 18-20)

تولیدات تلویزیونی، به‌ویژه سریال‌های تلویزیونی ترک از جمله ابزارهای دیپلماسی عمومی ترکیه است. این برنامه‌ها برای حل مشکلات ارتباطی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی منطقه‌ای و بهبود چهره این کشور نزد مردم منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. اهمیت این ابزار از چشم سیاست‌گذاران سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای ترکیه دور نبوده است و در سال‌های اخیر شاهد گسترش کمی و کیفی ساخت و نفوذ سریال‌های ترکیه‌ای در مناطق مختلف هستیم. آمارها نیز

نشانگر موفقیت ترک‌ها در این بخش بوده است. فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی ترکیه نیز نقش بسیار مهمی در ایجاد تصویری مثبت از ترکیه در جهان عرب بر عهده داشته‌اند. (دستمالی، ۱۳۹۳) یکی از محبوب‌ترین سریال‌های ترک، مجموعه تلویزیونی «نور» بوده است. این سریال، ۸۵ میلیون نفر از بینندگان عرب بالای ۱۵ سال را جذب کرد که نزدیک به ۵۰ میلیون نفر آنان زن بودند. رقمی که معادل بیش از نیمی از تماشاگران زن بزرگسال هر نمایش تلویزیونی دیگر در جهان عرب تاکنون بوده است. همچنین سریال «سال‌های ازدست‌رفته» با رسیدن به آمار ۶۷ میلیون بیننده که ۳۹ میلیون نفر آن‌ها از زنان بود، عنوان دومین سریال پرفروش در جهان عرب را به خود اختصاص داد. این مسئله ثابت شده است که یک سریال ساده تلویزیونی ممکن است به‌عنوان ابزاری برای تغییر مؤثر اجتماعی و ربودن قلب‌ها و افکار میلیون‌ها نفر در منطقه مورد استفاده قرار گیرد. (Anas, 2010: 253-254)

ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی ترکیه

توانایی قدرت نرم ترکیه در اثر پیوند تاریخ، جغرافیا، عمق فرهنگی، قدرت اقتصادی و دموکراسی در ترکیه تبیین می‌شود و جایگاهش در سیاست خارجی ترکیه برجسته می‌شود. دیپلماسی عمومی که سکویی برای به‌کارگیری قدرت نرم است، در ترکیه مفهوم جدیدی است که به صورت عامل شتاب‌دهنده‌ای برای قدرت نرم دستگاه سیاست خارجی عمل می‌کند. بدین ترتیب، دیپلماسی عمومی ترکیه در دو قالب عمده دولت به مردم و مردم به مردم اجرا می‌شود. فعالیت‌های دولت به مردم، به دنبال تبیین سیاست‌ها و فعالیت‌های دولت از طریق استفاده از ابزار رسمی و کانال‌های عمومی است. در فعالیت‌های مردم به مردم، عوامل مدنی مانند سازمان‌های غیردولتی، مراکز تحقیقاتی نظرسنجی عمومی، رسانه‌ها، رهبران احزاب، دانشگاه‌ها، برنامه‌های تبادلی و مجامع و بنیادها به کار گرفته می‌شوند. (دهقانی، ۱۳۹۱: ۲۹-۲۰) در این وضعیت دیپلماسی عمومی ورای ارتباطات رسمی میان مقامات، دیپلمات‌ها و جوامع خارجی قرار می‌گیرد و در همان حال روش‌های متفاوتی را نیز برای کشورهای مختلف در سراسر جهان به کار می‌گیرد و موقعیت‌ها، سیاست‌ها و موضوعات خود را برای جوامع ملی و بین‌المللی به شیوه‌های گوناگون بیان می‌کند. چنین تفاوت‌هایی از نظر ترکیه به علت سیاست‌هایی است که هر کشور دنبال می‌کند و از طرفی به دلیل میراث تاریخی و فرهنگی‌ای است که بر دولت‌ها حاکم است. به همین سبب، قدرت نرم و دیپلماسی عمومی آنکارا از نظر اولویت و شرایط فرهنگی - اجتماعی کشورها، متفاوت است. در زیر به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه به‌عنوان منابع می‌پردازیم. (جدول ۴)

جدول ۴: مؤلفه‌های مهم قدرت نرم ترکیه

فرهنگی و هنری	صنایع دستی، آثار ادبی، موسیقی و زبان ترکی	فرهنگی و اجتماعی
رسانه‌ای	داشتن شبکه‌های متعدد تلویزیونی، آژانس‌های خبری و روزنامه‌هایی با سابقه و شمارگان بالا	
علمی	وجود دانشگاه‌های متعدد جذب دانشجویان از آسیای مرکزی، قفقاز، بالکان، خاورمیانه و شمال افریقا	
ورزش	فوتبال، کشتی و وزنه‌برداری	
توریسم	صنعت گردشگری و جذب توریسم با وجود مکان‌های تاریخی و طبیعی گردشگری	
اقتصادی	رشد اقتصادی مناسب در سال‌های اخیر و گسترش تجارت با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	
سیاسی	تعامل با سازمان‌های بین‌المللی، تلاش برای اصلاح وضعیت سیاسی داخلی، شرکت در فعالیت بشردوستانه، گسترش مناسبات و مبادلات فرهنگی	

منبع: (پالیزدار، ۱۳۹۱: ۹-۱۳) و (التونیسیک، ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۷۴)

دیپلماسی عمومی ترکیه در عراق و سوریه

دیپلماسی عمومی ترکیه در عراق و سوریه بیشتر از آنکه مکمل دیپلماسی رسمی و سیاست خارجی این کشور باشد، به گونه‌ای تابع آن‌ها است، زیرا در سال‌های اخیر سیاست تنش‌زا و خشونت‌آمیز ترکیه در قبال دو همسایه جنوبی خود، به نوعی راه دیپلماسی را بسته و نقش دیپلماسی عمومی را کم‌رنگ ساخته است. با این حال، دیپلماسی عمومی ترک‌ها در عراق و سوریه در چهارچوب دیپلماسی عمومی کلان و به‌ویژه دیپلماسی عمومی خاورمیانه‌ای ترکیه دنبال می‌شود. استفاده از منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم، به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای و پیگیری اهداف سیاست خارجی، چهارچوب دیپلماسی عمومی ترکیه در عراق و سوریه را شکل می‌دهند. (ozkan, 2014: 4-5) علاوه بر اهداف راهبردی و منافع کلان، ترکیه نسبت به روند تحولات عراق و سوریه توجه و حساسیت ویژه‌ای دارد، زیرا این دو کشور علاوه بر داشتن مرز مشترک طولانی با ترک‌ها، از کشورهای بزرگ و تأثیرگذار عرب هستند. همچنین عراق و سوریه دروازه‌های ورود ترکیه به خاورمیانه و کشورهای عربی هستند. البته اختلافات مرزی و سرزمینی، مشکلات تاریخی و تفاوت‌های قومی و مذهبی موجب شده است تا دیپلماسی سخت و تعارض بر روابط ترک‌ها با همسایگان جنوبی بیشتر از دیپلماسی عمومی مدنظر باشد. با این همه، از نظر ترک‌ها مؤلفه‌هایی در ارتباط با عراق و سوریه وجود دارند که ترکیه را ناگزیر به استفاده از دیپلماسی عمومی برای پیشبرد اهداف و منافع کلان و درازمدت خود در این دو کشور می‌کند. ترکیه در سال‌های اخیر با اتخاذ

سیاست ترکی سازی مناطق هم‌مرز در شمال عراق از رهگذر حمایت از اقلیت ترکمن تلاش کرد پنجره‌هایی به داخل عراق برای نظارت و تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی آن منطقه بگشاید. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۳)

مؤلفه‌های اصلی توجه ترکیه به عراق و سوریه عبارت‌اند:

۱. وجود ذخایر نفتی در شمال عراق و شمال شرق سوریه؛
۲. وجود مناطق کردنشین در دو سوی مرزهای این کشورها؛
۳. حضور اقلیت کوچکی از ترکمن‌ها در شمال عراق و سوریه؛
۴. پشتیبانی از برخی گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی هوادار خود.

عوامل تضعیف‌کننده دیپلماسی عمومی ترکیه در عراق و سوریه

رویکرد خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه از همان ابتدا با انتقادات و مخالفت‌های احزاب مخالف و گروه‌های مدنی و اجتماعی روبه‌رو بوده است. اتخاذ مواضع متناقض دولت‌مردان حزب عدالت و توسعه موجب بروز انتقادات گسترده‌ای در داخل این کشور شده است. احزاب مخالف و گروه‌هایی از مردم، فضا را برای افزایش انتقادات نسبت به سیاست خارجی این حزب در عراق و سوریه مناسب یافتند. مخالفان داخلی با طرح این استدلال که سیاست‌های دولت ترکیه موجب به خطر افتادن اعتبار، منافع و امنیت کشور شده است از سیاست‌های منطقه‌ای حزب حاکم عدالت و توسعه انتقاد می‌کنند.

مهم‌ترین چالش دولت ترکیه در عرصه خارجی را باید اتخاذ مواضع حمایت‌گرایانه در قبال گروه‌ها و اقدامات تروریستی در عراق و سوریه دانست. حمایت دولت‌مردان ترکیه از تروریست‌ها شک و تردیدهای جدی در افکار عمومی و نخبگان منطقه در قبال ماهیت واقعی اهداف سیاست خارجی ترکیه پدید آورده است. علاوه بر کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه، اتخاذ مواضع متناقض آنکارا موجب رنجش متحدان غربی ترکیه، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا نیز شد. این مشکل از زمانی آغاز شد که ترکیه بر سر دوراهی همکاری با تروریست‌ها و همراهی با ائتلاف ضد داعش قرار گرفت. ترکیه از سویی ناگزیر از حمایت از عملیات نظامی ائتلاف علیه گروه‌های تروریستی داعش و النصره شد و از سوی دیگر به دنبال بسترسازی برای سقوط دولت‌های عراق و سوریه با حمایت از تروریست‌ها بود. بسیاری معتقدند ترکیه به دلیل منافع اقتصادی، ژئوپلیتیک و سیاسی در عراق و سوریه برای بسط نفوذ سیاسی خود در این دو کشور، به شکل اعلام‌نشده‌ای در روند کار ائتلاف علیه تروریست‌ها کارشکنی می‌کند. به نظر می‌رسد رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه، به گونه‌ای است که در مقاطع مختلف، در اثر تعارض اهداف و منافع این کشور با متحدان غربی، موجب بروز چالش‌هایی بین دو طرف شده است.

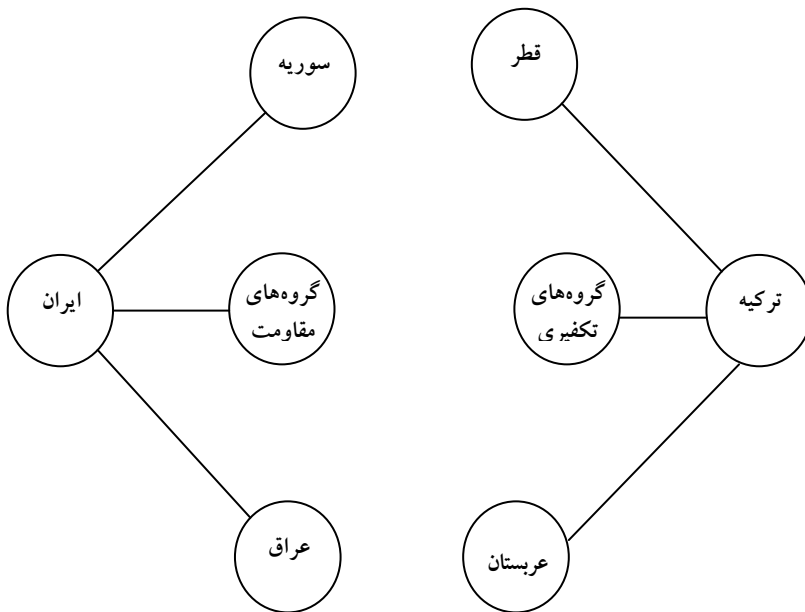
علاوه بر این، برخی سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه چالش‌ها و موانعی در مسیر دیپلماسی عمومی این کشور در عراق و سوریه ایجاد می‌کند. این امر هم به اعتبار ترک‌ها در داخل و خارج آسیب می‌رساند و هم به اهداف و منافع آن‌ها در عراق و سوریه ضربه می‌زند، به گونه‌ای که فرصت‌ها را از آنکارا سلب کرده، تهدیدهایی فراروی ترکیه قرار می‌دهد. موانع زیر، بخشی از سیاست‌ها و روندهای درازمدت این کشور است که ترک‌ها امکان کنار گذاشتن یا حتی پنهان‌سازی این موارد را دست‌کم در کوتاه‌مدت ندارند.

۱. نقض حقوق بشر، به ویژه اقلیت‌های کرد، ارمنی و علوی؛
۲. مشکلات قومیتی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی ترکیه با همسایگان از جمله عراق و سوریه؛
۳. مناسبات سیاسی، نظامی و اقتصادی با اسرائیل؛
۴. شکاف فرهنگی و تاریخی (تقابل سنت و مدرنیسم) در ترکیه.

زمینه‌ها و علل اختلاف و رقابت ایران و ترکیه در عراق و سوریه

عراق و سوریه به دلیل شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، جغرافیای آسیب‌پذیر، عدم ثبات سیاسی و روابط چالشی و پرتنش که در گذشته با همسایگان خود داشته‌اند، به حوزه‌ای استراتژیک برای کشورهای همسایه، به خصوص ایران و ترکیه تبدیل شده‌اند. علاوه بر این، وجود و حضور مؤثر کردها در شمال عراق و سوریه و ادعای سرزمینی ترک‌ها نسبت به اهمیت این کشورها نزد ترکیه افزوده است. منطقه کردستان در حوزه کشش و رانش سه حوزه فرهنگی و تمدنی، پارس، عرب و ترک قرار دارد (نجار و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۰۱) که این امر اهمیت استراتژیک منازعه را برای چهار کشور همسایه مشخص می‌سازد. ایران و ترکیه از موقعیت خاص استراتژیک در منطقه برخوردارند که این موقعیت مرهون جغرافیایی است که در آن قرار دارند. ایران و ترکیه پل ارتباطی شرق به غرب هستند. ایران به‌عنوان کشوری با تمدن و فرهنگ باستانی، موقعیت جغرافیایی - اقتصادی راهبردی و نیروی انسانی عظیم است. ترکیه هم کشور مهمی در اوراسیا، با اقتصادی رو به رشد و در حال ادغام در اقتصاد جهانی و در روند همکاری با اتحادیه اروپا است. این دو کشور دارای اشتراکات تاریخی، فرهنگی، دینی و اجتماعی زیاد هستند. با این حال در سیاست منطقه‌ای ترکیه و ایران در دو قطب مخالف عمل می‌کنند. به همین دلیل قطبی‌شدگی منطقه‌ای را با محوریت ایران و ترکیه، در عراق و سوریه شاهد هستیم. درحالی‌که ترکیه به همراه عربستان و قطر به دنبال حمایت از گروه‌های تکفیری و تروریستی و تغییر دولت‌ها در عراق و سوریه است، ایران پشتیبان این دولت‌ها و گروه‌های مقاومت است. (نمودار ۳)

نمودار ۳. الگوی تقابلی سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه در منطقه



درگیری‌های داخلی در عراق و سوریه نقش دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه را در دو کشور عرب کاهش داده است. طبیعی است هنگامی که تأثیر عامل دیپلماسی کاهش یابد نقش قدرت و حتی خشونت افزایش می‌یابد. این روندی است که در سال‌های اخیر در سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه روی داده. نزدیک شدن ترک‌ها به عربستان و قطر موجب نزدیکی‌شان به مخالفان دولت‌های عراق و سوریه شده است. این روند در مورد ایران معکوس است. این وضع موجب تضاد رویکردهای تهران و آنکارا شده است. تداوم و تشدید تنش‌ها در سوریه و عراق هم سیاست خارجی و هم دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه را در برابر هم قرار داده است. دو کشور اکنون فراتر از رقابت منطقه‌ای، دچار تقابل راهبردی و تضاد گفتمانی در عراق و سوریه هستند. امری که در دهه نخست قرن ۲۱ به چشم نمی‌خورد. ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، رویکرد حمایت از محور مقاومت را دنبال می‌کند و ترکیه مطابق الگوی نو عثمانی‌گری، گسترش نفوذ منطقه‌ای را مدنظر دارد.

نتیجه‌گیری

تفاوت دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در قبال عراق و سوریه به تفاوت رویکردهای نظری، منابع، اصول و اهداف سیاست خارجی ایران و ترکیه مربوط می‌شود. البته دو کشور از نظر گفتمانی، ابزارها و امکانات و روش دیپلماسی عمومی نیز متفاوت هستند. ایران از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی مایل است که مسائل و مشکلات منطقه از طریق مشارکت و همکاری بازیگران منطقه‌ای شود. در واقع، ایران طرفدار تنظیم معادلات منطقه به دست کشورهای منطقه است. در مقابل، ترکیه حامی پیوند با کشورهای منطقه با ترتیبات فرامنطقه‌ای و نزدیکی روابط با کشورهای غربی، به خصوص آمریکا و در برخی دوره‌ها و موارد، اسرائیل است. ترکیه تمایل دارد از طریق بسط روابط خود با کشورهای غربی زمینه حضور آن‌ها را در معادلات و محاسبات منطقه فراهم نماید.

راهبرد سیاسی متعارض ایران و ترکیه که تا حد زیادی در ساختارهای سیاسی - ایدئولوژیک آن‌ها ریشه دارد در نحوه نگاه آن‌ها به جهان غرب نمود پیدا می‌کند. ایران در روابط خود با جهان غرب تا حد زیادی تابع شعار ضدغربی بوده و ضمن داشتن تعارضات عمیق با آمریکا و برخی متحدان استراتژیک آن مثل اسرائیل، شاهد تنش‌های مستمر با دولت‌های اروپای غربی بوده است. برعکس، دولت ترکیه در روابط خود با جهان غرب تا حد زیادی تابع رویکرد غرب‌گرایانه کمالیستی بوده و ضمن داشتن روابط نزدیک با آمریکا و حتی همراهان استراتژیک آن مثل اسرائیل، با جدیت تمام در پی عضویت در اتحادیه اروپا و شناخته شدن به‌عنوان کشوری اروپایی بوده است.

دیپلماسی عمومی ایران در عراق و سوریه حفظ وضع موجود و حمایت از دولت‌های مستقر است. در مقابل، دیپلماسی عمومی ترکیه تغییر وضع موجود است. بر این اساس، ایران به دو کشور به‌عنوان همسایگان هم‌سو و هم‌سود نگاه می‌کند و در مقابل، نگاه ترکیه به همسایگان جنوبی خود تقابلی و تعارضی است. ایران خود را هم‌پیمان و تا حدودی میانجی در عراق و سوریه می‌داند، اما ترکیه به دنبال هژمونی و رهبری منطقه‌ای است. به همین دلیل ترک‌ها از دیپلماسی عمومی برهم‌زننده برای تجدید ساختار و رفتار و کسب منافع بیشتر در عراق و سوریه استفاده می‌کنند، در برابر آن‌ها ایران از دیپلماسی عمومی برای تحکیم شرایط داخلی و حفظ و مناسبات در زمینه‌های گوناگون بهره می‌برد. چالش عمده دیپلماسی عمومی ترکیه در عراق و سوریه اتخاذ رویکردهای متناقض از سوی دولت‌مردان ترکیه در قبال تحولات اخیر عراق و سوریه است که موجب بروز چالش‌های متعددی در عرصه داخلی و خارجی این کشور شده است. در مقابل، استفاده نکردن از همه مؤلفه‌های قدرت نرم و ابزارها و امکانات مانع عمده کارایی دیپلماسی عمومی ایران است. ترک‌ها عمدتاً از ابزارهای قدرت نرم برای اهداف سخت استفاده می‌کنند و ایران بیشتر از ابزارهای سخت برای اهداف نرم استفاده می‌کند. در حالی که حتی امنیت هم در جهان معاصر ایجابی شده است، ترکیه همچنان رویکرد سلبی را در قبال عراق و سوریه دنبال می‌کند.

دیپلماسی عمومی ترکیه در قبال سوریه به دلیل اختلافات و تنش‌های شدید میان دو کشور در حال حاضر در وضعیت ضعیف و شکننده قرار دارد، زیرا وقوع جنگ به معنای ناکامی دیپلماسی و به‌ویژه دیپلماسی عمومی است. حتی اگر دیپلماسی را شکست‌خورده فرض نکنیم، دستکم در شرایط کنونی در روابط ترکیه با سوریه دیپلماسی عمومی یا در کنترل سیاستمداران و نظامیان است یا آن‌قدر کم‌رنگ و ناکارآمد است که نمی‌تواند کارکرد خود را ایفا کند. اکنون ترک‌ها از برخی از متغیرها و ابزارهای دیپلماسی عمومی در نبرد غیررسمی و اعلام‌نشده خود با سوری‌ها بهره می‌گیرند. با این حال، برخی از احزاب سیاسی، گروه‌ها و نهادهای مدنی و رسانه‌های غیردولتی همچنان از دیپلماسی عمومی در مخالفت با تنش در روابط ترکیه با سوریه و با هدف درازمدت تداوم روابط با همسایه جنگ‌زده خود استفاده می‌کنند.

در مجموع، پایداری سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی ایران در عراق و سوریه و همخوانی آن با وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دو کشور و همچنین استلزامات جغرافیایی و تاریخی عراق و سوریه در منطقه فرصت و امکان بیشتر و بهتری برای تهران فراهم می‌آورد. ترکیه در عراق و سوریه به دنبال گسترش نفوذ، افزایش نقش و درنهایت هژمونی منطقه‌ای است. بر این اساس، ترک‌ها در صورت تداوم این رویکردها و خط‌مشی‌ها در درازمدت نیز با وجود هزینه زیاد، فرصت چندانی نخواهند داشت و بهره فراوانی نخواهند برد.

کتابنامه

الف - کتاب

۱. پالیزدار، فرهاد، (۱۳۹۱)، دیپلماسی فرهنگی ترکیه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲. کشاورز شکری، عباس، (۱۳۹۲)، فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۳. گلشن‌پژوه، محمدرضا، (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. قهرمان‌پور، رحمان، (۱۳۸۶)، ایران و ژئوپلیتیک قدرت در جهان عرب، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۵. هیل، کریستوفر، (۱۳۸۷)، ماهیت متحول سیاست خارجی، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب - مقالات

۶. التونیسیک، میخائیل، (۱۳۹۲)، «قدرت نرم و منطقه‌گرایی: مطالعه موردی سیاست‌های ترکیه در خاورمیانه»، تألیف جکوئیز هایمنز و دیگران، مجموعه مقالات مطالعات موردی قدرت نرم، ترجمه سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۱۷۳-۱۵۳.
۷. آشنا، حسام‌الدین؛ جعفری هفت‌خوانی، نادر، (۱۳۸۶)، «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف»، دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۲۰۵-۱۷۹.
۸. جعفری، سعید؛ آبری، محمد، (۱۳۹۱)، «ظرفیت‌های ترکیه در الگو شدن برای حکومت‌های جدید عربی: نگاهی سازه‌انگاران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران: مرکز مطالعات علمی و پژوهش‌های استراتژیک خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره دوم، صص ۱۲۴-۱۰۱.
۹. داد اندیش، پروین؛ احدی، افسانه، (۱۳۹۰)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، سال سوم، شماره اول، صص ۱۷۳-۱۴۳.
۱۰. درخشه، جلال؛ غفاری، مصطفی، (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی در جهان اسلام، فرصت‌ها، اقدامات؛ اولویت‌ها، دستاوردها»، فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، سال دوازدهم، شماره شانزدهم، صص ۴۵-۹.
۱۱. دهقانی، رضا، (۱۳۹۱)، «الگوهای ساختاری و اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، تهران: انجمن علمی مطالعات جهان اسلام، سال دوم، شماره چهارم، صص ۳۹-۱۵.

۱۲. ذوالفقاری، مهدی، (۱۳۹۲)، « اثرگذاری قدرت نرم در دیپلماسی عمومی»، تألیف ناصر جمالزاده، مجموعه مقالات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۲۱۴ - ۱۷۷.
۱۳. سجادپور، سید محمدکاظم؛ وحیدی، موسی‌الرضا، (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی نوین: چهارچوب‌های مفهومی و عملیاتی»، فصلنامه سیاست، تهران: دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۴، صص ۹۵ - ۷۷.
۱۴. رفیع، حسین؛ نیک‌روش، ملیحه، (۱۳۹۲)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایران در عراق»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، تهران: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل، صص ۱۳۲-۹۹.
۱۵. نای، جوزف، (۱۳۸۲)، «قدرت نرم»، ترجمه محمد حسینی‌مقدم، فصلنامه راهبرد، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۹، صص: ۳۶۳ - ۳۸۰.
۱۶. نجار، سعید؛ عبدالله‌پور، محمدرضا، (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر منازعات ایران و ترکیه در میدان‌های منطقه‌ای از منظر ژئوپلیتیک»، فصلنامه سیاست و اندیشه، تهران: دانشگاه پیام نور، سال دوم، شماره پنجم، صص ۱۱۰ - ۹۱.
۱۷. سیمبر، رضا؛ قربانی، ارسلان، (۱۳۸۸)، «دیپلماسی نوین در روابط خارجی؛ رویکردها و ابزارهای متغیر»، فصلنامه روابط خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، سال اول، شماره ۴، صص ۶۱-۴۳.
۱۸. عطایی، فرهاد؛ قادری کنگاوری، روح‌الله و ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم؛ ایران و آمریکا در عراق جدید»، فصلنامه سیاست، تهران: دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۳، صص ۲۰۳ - ۱۸۹.
۱۹. قهرمان‌پور، رحمان، (۱۳۸۷)، «سیاست ترکیه در قبال عراق پس از صدام»، نام‌گردآورنده، مجموعه مقالات عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهش شماره ۱۲، صص ۶۵ - ۴۹.
۲۰. نوابخش، مهرداد، (۱۳۸۵)، «دیپلماسی رسانه‌ای به مثابه ابزار سیاست خارجی»، تألیف محمد سلطانی‌فر و شهرداد امیر انتخاب، مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، صص ۱۵۷-۱۵۱.
۲۱. نیک‌آیین، احسان‌الله، (۱۳۸۸)، «دیپلماسی عمومی، رویکردی نو در عرصه روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، سال بیست و سوم، شماره ۲ (پیاپی ۹۰)، صص: ۳۹۴-۳۶۲.
۲۲. هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه، (۱۳۸۸)، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه روابط خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، سال اول، شماره ۳، صص ۱۱۶ - ۸۵.

۲۳. هادیان، ناصر؛ سعیدی، روح‌الامین، (۱۳۹۲)، «از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی»، فصلنامه راهبرد، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، سال ۲۲، شماره ۶۸، صص: ۳۳-۶۱.

ج- اینترنتی

۲۴. دستمالی، محمدعلی، (شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۳)، «سریال‌های تلویزیونی ترکیه، سودای قدرت نرم و تناقض فرهنگی»، <http://www.tisri.org/default-1573.aspx>.

د- انگلیسی

25. Alshayji, Abdullah K. (2002). "Mutual Realities, Perceptions, and Impediments between the GCC States and Iran", in Gary G. Sick and Lawrence G. Potter, *Security in the Persian Gulf*. New York: Palgrave-Macmillan.

26. Anas, Omair (2010). *Turkey's Soft Power Challenges in the Arab World*, presentation at First Arab Turkey Congress of Social Sciences at Ankara on 11 December, in: http://www.aid.sakarya.edu.tr/uploads/Pdf_2011_6_9.pdf

27. Cull, Nicholas J. (2009). "Public Diplomacy before Gullion: The Evolution of a Phrase." in Nancy Snow and Philip M. Taylor (Eds.), *Routledge Handbook of Public Diplomacy*, London and New York: Routledge.

28. Henrikson, Alan K. (2006). *What Can Public Diplomacy Achieve?* Netherlands Institute of International Relations Cling Endael, PP. 1-38. In: http://www.clingendael.nl/publications/2006/20060900_cdsp_paper_dip_c.pdf (accessed February 3, 2009).

29. Kalin, İbrahim (2012). *Soft Power and Public Diplomacy in Turkey Perceptions*, Autumn 2012, Volume XVI, Number 3, pp. 5-23. http://sam.gov.tr/wpcontent/uploads/2012/01/ibrahim_kalin.pdf

30. Karawan, Ibrahim A. (2002). "The Erosion of Consensus: Perceptions of GCC States of a Changing Region", in Gary Sick and Lawrence Potter, *Security in the Persian Gulf*, New York: Palgrave-Macmillan.

31. Melissen, Jan. (2007). *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relation*, Hampshire: Palgrave Macmillan.

32. Nasr, Vali (2006). *the Shia Revival: how Conflicts within Islam Will Shape the Future*, Now York: Norton and Company.

33. Owen, State, Roger (2004). *Power and Politics in the Making of the Modern Middle East*, New York: Routledge.

34. Ozkan, Abdullah (2014). *Role of Public Diplomacy in Establishing Nation Branding and Public Diplomacy Possibilities of Turkey*. European Journal of Research on Education. PP. 1-5.